

حلاوتی دگر



اصغر ندیری

وقتی می‌خواهم به مناسب این ایام بگویم، همکار گرامی، آموزگار من، روزت مبارک، به این عبارت پرمغز می‌رسم که «سخن نو آر که نو را حلاوتی دگر است»، و سکوت پیشه می‌کنم. اما به زودی به خود می‌آیم که هر روز روزی دیگر و فرصتی است برای نوآفرینی، ارتباط و گفتن هر آنچه در نهان ماست. و البته بیش از این گفتن در این مقام محال است و لاجرم باید میدان را به دیگر عزیزان سپرد که دل و دهانشان مملو از ناگفته‌هاست و می‌خواهند با معلمان خود هم کلام شوند. لذا در همین اثنا همه‌ی مخاطبان و دوستان ارجمند را تا دوره‌ی بعد به خداوند می‌سپارم و دعوت می‌کنم به پیام‌های برخی نویسندگان مجله و همکاران گرامی توجه فرمایند.

هستی‌شناسی معلم

تاکنون فکر کرده‌اید اگر یاد گرفتن و یاد دادن در عالم نبود، چه می‌شد؟ غیر طبیعی است که کسی طبیعت را دوست نداشته باشد؛ خود واژه‌ی «طبیعت» هم اسم مفعول و هم اسم فاعل و به معنای «نقش‌دهنده» و «نقش‌پذیرنده» است. در اصل خود طبیعت، هم یاددهی و هم یادگیری دارد. برای همین، طبیعت همیشه تازه‌است. شاید از همین رو، یکی از مهم‌ترین معلم‌های بشر، طبیعت بوده‌است. این جریان یادگیری و یاددهی درست مثل نفس کشیدن است. یک نفس می‌رود و جسم و جان را تازه می‌کند و یک نفس بیرون می‌آید تا درس خود را از حیات بخشی نفس قبل پس دهد و مهیای دریافت درسی دیگر باشد. گویی نفس کشیدن هم خود یادگیری است. بیهوده نیست هر کسی در مقابل یادگیری بایستد، خود را به هلاکت انداخته است و گویی مقابل نفس کشیدن ایستاده‌است. دم چو فرورفت‌هاست، هوست چو بیرون رود

یعنی از او در همه، هر نفسی‌های و هوست آیا تاکنون دیده‌اید معلمی بدون یادگیری یاد بدهد؟ آیا باز دم بدون دم معنا دارد؟ چگونه آدمی نفسی را باز پس دهد که آن را پیش تر نگرفته است؟ و آموزگاران ما از آن روی که مدام در حال یاد دادن هستند، مدام در حال یاد گرفتن‌اند. یاد گرفتن آموزگار نه فقط از لابه‌لای نوشته‌های کتاب‌های درسی است، بلکه از رنگ و عطر و بوی نفس‌های یادگیرنده نیز مدام در حال یادگیری هستند. نقش‌دهی آموزگار بر جانی است که مدام تازه و نو می‌شود و همین گفت‌وگو با تازگی است که او را تازه و نو می‌کند. اگر نقش‌پذیری نباشد، نقش دادن بی‌معناست. همان‌طور که اگر خرج کردن نبود، پول در آوردن هم احمقانه‌می‌بود. اگر دم نباشد، باز دم بی‌معناست. اگر معلم نباشد، نه نفسی هست. نه دمی هست و نه نقش دادنی. معلم یعنی نفس.

دکتر احمد رضا آذربایجانی

فضای عشق

یادم هست، وقتی ۱۲ سال داشتم، روز معلم جمله‌ای را از زبان معلم دلسوزم شنیدم که می‌گفتند شهید رجایی در جایی فرمودند: «معلمی شغل نیست، معلمی عشق است. اگر معلمی را به‌عنوان شغل انتخاب کردی، رهایش کن و اگر عشق توست، مبارکت باشد.» از آن زمان تا ۲۴ سالگی همیشه درک این جمله برای من سخت بود که به یکباره و به‌صورت کاملاً اتفاقی و در حین تحصیل در دوره‌ی دکترتواراد فضای همراه با عشق مدرسه شدم که از آن زمان متوجه عشق در معلمی شدم. از آن زمان تاکنون شش سال می‌گذرد. می‌توانم با قاطعیت بگویم، شش سال است عاشقانه شغلم و دانش‌آموزانم را دوست دارم و بسیار خرسندم که در طول دو سال اخیر توانسته‌ام این عشق خود را در تدریس و معلمی، در قالب همکاری با مجله‌ی رشد ابتدایی، در اختیار سایر جویندگان علم قرار دهم. جادار در انتها از عاشقان آموزش شهرستان کرمان (زادگاهم) و زحمتمکشان مجله‌ی رشد ابتدایی تشکر و قدر دانی کنم.

دکتر یاسین حیات ابدی

دم معرفت گرم آقا معلم!

اول، به‌خاطر آن دانش‌آموز روستایی که به تازگی زد و گفت خانه‌ی ما آنتن موبایل درست خط نمی‌دهد

و من باید برای شرکت در کلاس شما، از محیط خانه‌های روستایی بیرون بروم و خودم را برسانم بالای آن تپه. صبح ساعت هشت هوا سرد است آن بالا. اگر می‌شود ساعت کلاس درس رانزدیک وسط روز بگذارید تا من آن بالا از سرما ... و شما ساعت کلاس را تغییر دادی تا او با خیال راحت در کلاس تو شرکت کند.

دوم، به‌خاطر آن بچه‌هایی که گفتند ساعت آزمون‌ها را از وسط روز به دم غروب منتقل کن تا ما بتوانیم در کارهای روستابه پدران خود کمک کنیم و غروب در خانه به آزمون‌ها جواب بدهیم.

سوم، به‌خاطر آن دانش‌آموزی که وسط کلاس برخط گفت من بعداً مطالب درسی را از دوستانم می‌گیرم و الان دیگه نمی‌تونم آنلاین باشم... چون... چون... اینترنت من داره... الان پدر و مادرم هم... و تو آقا معلم از پول خودت، در همان لحظه، اینترنت دانش‌آموز روستایی را شارژ کردی تا او در کلاس بماند و باگوشی پدرش درس را دنبال کند.

فعلاً برای همین سه مورد از تو تشکر می‌کنم. در دوران کرونا و آموزش مجازی، تو این قدر مهربان بودی! صفای وجودت، آقای مسلم رضایی، آموزگار منطقی‌ی سپیددشت و ایستگاه راه‌آهن بیشه‌ی استان لرستان.

محمد حسین دیزجی

حساب معلمی ابتدایی جد است!

هر زمان می‌خواهم سابقه‌ی کار و تجربه‌هایم را محاسبه کنم، بی‌اختیار سال‌هایی را که در دبستان و با دانش‌آموزان ابتدایی کار کرده‌ام، یک طرف می‌گذارم و باقی فعالیت‌ها را جادار نظر می‌گیرم. مثل این است که کار با دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی رنگ و بو و حال و هوای دیگری داشته و دارد. شاید جدی‌ترین و مؤثرترین کارها به همین دوره مربوط می‌شوند. با اینکه می‌دانی ممکن است فراز و فرودهای زندگی، یادی از تو به‌عنوان آموزگار در ذهن دانش‌آموز باقی نگذارد، می‌دانی که درس‌های ابتدایی در نظر بسیاری ساده و کم‌جان در نظر گرفته می‌شوند، می‌دانی که معلم ابتدایی را ابتدای راه می‌دانند و انتهای راه را از آن مهم‌تر احساس می‌کنند، با همه‌ی این احوال، یقین داری ذات و ماهیت معلمی در دوره‌ی ابتدایی عمیق و ماندگار است. مثل اینکه ریشه‌ها را در خاک می‌گذاری و نهال که جوانه زد، به دست باغبان دیگری می‌سپاری تا شاهد رشد آن باشد. همین نگاه است که حساب روزهای معلمی با دانش‌آموزان ابتدایی را از دیگر

حساب‌ها جدا می‌کنند و هنگامی که در صفحه‌های اجتماعی، پیامی ناآشنا دریافت می‌کنم که می‌خواهد اطمینان پیدا کند من همان آموزگار دوره‌ی ابتدایی او هستم، دیگر تردیدی نمی‌ماند که اگر معلمی باشی، مخاطب هم روزی متوجه خواهد شد ریشه‌ها در همان ابتدایی است.

نمی‌توانیم نادیده بگیریم که حمله‌ی ویروس کرونا به زندگی انسان، برای بسیاری مشاغل سختی‌هایی داشته و به دگرگونی‌هایی منجر شده است. برای آموزگار، این دشواری‌ها چندین برابر بوده است. سکنداری تعلیم و تربیت از طریق و بستر فضای مجازی کار ساده‌ای نیست، اما پیچیدگی‌های فراوان برای معلم دوره‌ی ابتدایی بیشتر از آن است که تصور آید. کودکی که تازه دارد به دنیای تفکر انتزاعی ورود پیدا می‌کند، چگونه می‌تواند همه‌ی یادگیری خود را از دنیای مجازی باور کند. از این رو، معلمی اکنون در اصطلاح، معلمی کرونایی در دوره‌ی دبستان، از آن دست تجربه‌هاست که در صورت مؤثر بودن، واقعاً حسابش از همه‌ی سال‌های دیگر معلمی جداست.

دکتر لیلیا سلیقه‌دار

دکتر لیلیا سلیقه‌دار که روزی معلم دوره‌ی ابتدایی بوده و حالا معلم معلمان دوره‌ی ابتدایی است!

سنگ بنای موفقیت

به مناسبت روز معلم حرف دلم این است: معلم بودن کار شگفت‌انگیزی است؛ چالشی، پویا و انرژی‌زا. تأثیر ما بسیار فراتر از آن است که تصور می‌کنیم. دانش‌آموزان، همکاران و افراد جامعه همیشه درباره‌ی ما صحبت می‌کنند. این ما هستیم که تعیین می‌کنیم این صحبت‌ها و مکالمات به چه سمت و سویی بروند. معلمان فقط باید بر آنچه به نفع دانش‌آموزان است متمرکز باشند.

آموزگاران سنگ‌بنای موفقیت دبستان‌ها هستند. به نظر من، اغلب مخاطبان مدرسه‌ها، یعنی دانش‌آموزان و اولیا نیز همین دیدگاه را دارند. برای مثال، اگر از آموزگار فرزندان رضایت داشته باشید، مدرسه‌ی او مورد تأییدتان خواهد بود. واقعیت این است که دانش‌آموزان غالباً از شروع تحصیل بابتش از ده‌ها معلم سروکار پیدا می‌کنند، اما زمانی که از آنان در مورد اثربخشی معلم‌هایی که در دوران مدرسه داشته‌اند سؤال می‌کنیم، آن‌ها تنها کسانی را به یاد می‌آورند که شأن و مقام انسانی و توانمندی‌های آنان را دیده و بر زخم‌هایشان مرهم گذاشته و با نگرش

مثبت، با کلام امیدوارکننده و رفتارهای سنجیده، باور و اعتماد خود را به دانش‌آموزان انتقال داده‌اند. تجربه نشان می‌دهد، کودکان حاضرند هر کاری برای این گونه آموزگاران انجام دهند تا به آن‌ها ثابت کنند در قضاوتشان اشتباه نکرده‌اند. آن‌ها این باور مثبت را همانند هدیه‌ای نفیس در سراسر عمر خود همراه خواهند داشت (بازرگان، ۱۳۹۵).

اغلب دانش‌آموزان به درسی علاقه پیدا می‌کنند که معلمش را دوست داشته باشند و چه بسا شغلی را که برای خود برگزیده‌اند، تحت تأثیر شور و هیجان آن معلم برای موضوع درسی‌اش قرار داشته است. این قدرت معلمی کردن است.

با وجود اینکه همه‌ی آموزگاران اصول و نظریه‌های آموزشی را مطالعه می‌کنند و دوره‌ی کارآموزی می‌گذرانند، با شروع فعالیت شغلی، تفاوت فاحشی در عملکرد خود نشان می‌دهند. پس تفاوت بین آموزگاران تنها در میزان دانش علمی و سواد آن‌ها نیست، بلکه باید در جست‌وجوی عوامل دیگری چون چگونگی عملی کردن دانسته‌ها در سایه‌ی نگرش ویژه‌ی آن‌ها به کلاس، تدریس و آموزش بود. چنین آموزگارانی، کارگزاران فکوری هستند که تفکر در حین عمل را به عنوان یک هنجار حرفه‌ای پذیرفته‌اند (مهر محمدی، ۱۳۷۹). آن‌ها به خوبی می‌دانند که کلاس و تدریس بی‌نهایت پیچیده‌اند و در آموزش تنها یک پاسخ یا راه حل وجود ندارد.

پس همواره در صدد بهبود مهارت‌های حرفه‌ای‌شان بوده و اشتیاق عجیبی برای بهتر شدن دارند. بنابراین آموزگاران شایسته هرگز فراموش نمی‌کنند که آنان تعیین‌کننده‌ی کیفیت مدرسه هستند. اجرای تشویق مؤثر و انضباط کلاسی دو نمونه از توانمندی‌های معلمان موفق در مقایسه با همکارانی است که تشویق‌های غیرمؤثر و مدیریت کلاس ضعیف دارند. آموزگاران شایسته، در شروع سال تحصیلی، انتظارات خود از دانش‌آموزان را واضح و روشن بیان می‌کنند و بدون هیچ‌گونه سهل‌انگاری، در طول سال هم با جدیت همان انتظارات را پیگیری می‌کنند. در واقع دانش‌آموزان را، با ایجاد ارتباط مناسب، مشتاق پاسخ‌گویی به سطح انتظارات کلاس و معلم خود می‌کنند. آنان مدیریت کلاس درس را هوشمندانه انجام می‌دهند و هنگامی که حرفی می‌زنند، به آن عمل می‌کنند. بدرفتاری دانش‌آموز را در لحظه نادیده می‌گیرند و مانع جلب توجه کلاس و اجرای نمایش او می‌شوند. در موقع عصبانیت و تحت فشار کاری واکنش نشان نمی‌دهند. با این کار به خود زمان

می‌دهند تا قبل از اینکه صحبتی کنند، در مورد آن بیندیشند و بهترین شیوه را انتخاب کنند.

اگر بهترین آموزگار یک دبستان، تکلیفی بدهد و دانش‌آموزان نتوانند به خوبی آن را انجام بدهند، چه کسی را باید ملامت کرد؟ جواب قابل پیش‌بینی: خود آموزگار.

آموزگاران موفق می‌دانند که خودشان تنها عنصر قابل تغییر کلاس هستند. آن‌ها مدام در پی بهتر شدن هستند و تمرکزشان تنها بر ایجاد تغییر در رفتار خودشان است نه تغییر رفتار دیگران. موفقیت در هر زمینه‌ای، از تمرکز بر خود آغاز می‌شود و معلمان بر موردی تمرکز می‌کنند که قادر به تغییر آن هستند: یعنی عملکرد خود. یکی از نشانه‌های آموزگاران حرفه‌ای، توانایی آن‌ها در ایجاد جو مثبت در کلاس درس است. واقعیت این است که موارد بسیاری برای ناامید کردن آموزگار وجود دارند؛ از جمله: والدین شاک، دانش‌آموز در درس‌ساز و منابع محدود مالی. این موارد دل‌سردکننده و ناخوشایند، واقعیت‌ها یا اجزای جدانشدنی کار و زندگی محسوب می‌شوند. اما آموزگاران شایسته، هر روز با همه با احترام برخورد می‌کنند.

نقل قول جالبی از لئو تولستوی در وصف بهترین معلم داریم: بهترین معلم کسی است که قابلیت خلق روش‌های تازه دارد. بهترین روش‌ها روش خاصی نیست، بلکه یک هنر است.

شیرین فراهانی

دبستان اردیبهشت، ناحیه‌ی ۳ کرکج

بزرنگاه تاریخی

مادران، پدران و آموزگاران عزیز، هم‌اکنون که در بزرنگاه تغییر زمانه و نوشتن تاریخی و فرارسیدن بهار هستیم، «تاریخ» را برای کودکان و دانش‌آموزان به شکل حکایت و قصه بیان کنید. بیان زندگی بزرگان، مشاهیر و معصومان (ع)، به زبان ساده، می‌تواند راهنمای دانش‌آموزان و همچنین شکل گرفتن خودکار صفات و کمالات آن بزرگان در مخاطب باشد.

حال که نیاز است بیشتر از گذشته از وسایل الکترونیک و رایانه‌ای در تعلیم و تربیت و زندگی استفاده کنیم، به یقین با اندکی صبر و نگاه به تاریخ، کودکان را برای آینده و رسیدن به آرمان‌های الوالی انسانی مهیا کنیم.

دکتر احسان‌الله محمدی